

توسعه کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم،

پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن

کرامت‌اله زیاری^۱، علی یوسفی^{۲*}

۱- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه یزد

چکیده

از آنجا که مدرنیسم و پست‌مدرنیسم زمینه نمود جهانی‌شدن را فراهم کرده‌اند، بنابراین فرضیه‌های این پژوهش مبتنی بر تأثیر مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و پدیده جهانی‌شدن بر کالبد شهر تهران است که از طریق روش «توصیفی - تحلیلی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در عصر جهانی‌شدن، همه چیز در حال انتقال و مبادله است، اما این جریان انتقال یک طرفه و یک جانبه بوده، کشورهای خاصی از آن سود می‌برند.

جهانی‌شدن از مدتها قبل با مدرنیسم و پست‌مدرنیسم شروع شده و هم اکنون فقط شتاب فراوانی در آن ایجاد شده است. مدرنیسم از اواخر حکومت قاجار در سیمای کالبدی شهر تهران تأثیر گذاشته و در دوره پهلوی اول و دوم و به ویژه جمهوری اسلامی تأثیرات زیادی در شهر تهران بر جای نهاده و سیمای کالبدی آن را دگرگون ساخته است. به دنبال آن، پست‌مدرنیسم در دو دهه گذشته توانسته به صورت رگه‌هایی، در کالبد شهر تهران ریشه بدواند، ولی هنوز نتوانسته در شهر تهران فراگیر شود. در نهایت تهران به عنوان یک کلان شهر بی‌قواره به حیات خود ادامه می‌دهد. این شهر هنوز وارد فرایند جهانی‌شدن نشده است. به همین جهت پدیده جهانی‌شدن تاکنون تأثیر خاصی بر کالبد شهر تهران به جا نگذاشته است.

کلید واژه‌ها: مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، جهانی‌شدن، توسعه کالبد شهر تهران، فرایند

۱- مقدمه

زمانی تهران به شهر درختان مشهور بود [۱]، اما در حال حاضر این شهر به کلان شهر مبدل شده و در آن، هم درختان سبز گذشته نابود شده‌اند و هم بر اثر تأسی‌پذیری از تحولات فکری قرون گذشته جهان و هم تأثیرپذیری از دو انقلابی که اتفاق افتاده بسیار دگرگون شده





است.

بی‌شک مکتب مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و پدیده جهانی‌شدن طی قرن گذشته منشأ تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و فناوری عظیمی در اقصی نقاط جهان بوده، دستاوردهای بزرگی برای بشریت به ارمغان آورده‌اند.

این فرایند، فضا‌های کالبدی کشورهای مختلف جهان را متحول ساخته و توسعه کالبدی خاصی را آفریده است. در آنجا فرایند توسعه شهری، مانند هر فرایند اجتماعی از طریق اتفاقات خاص شهری و چارچوب ساختارهای حوادث قابل درک است و درک این فرایند با در نظر گرفتن محیط فیزیکی و شرایط فکری مرتبط با آن امکان‌پذیر خواهد بود. این مقاله با بررسی مبانی و مفاهیم مکتب مدرنیسم و پست مدرنیسم و مشخصه‌های شهرسازی هر یک و پدیده جهانی‌شدن، به چگونگی تأثیرگذاری آنها بر شهر تهران در دوره‌های مختلف تاریخی - سیاسی می‌پردازد.

۲- طرح مسأله

در عصر حاضر، همه چیز اعم از سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه، آداب و رسوم، فرهنگ، تولید، و مصرف، در حال تغییر و انتقال است؛ به طوری که مرزهای اقتصادی و سیاسی کمرنگ شده است. اما به نظر می‌رسد جریان انتقال موارد فوق یک سویه بوده، در چارچوب سازمانهای خاص که گردانندگان مشخص دارد صورت می‌گیرد. به همین جهت بسیاری از نظریه پردازان ریشه‌های این پدیده را از زمان ظاهرشدن سرمایه‌داری که با مدرنیسم همراه بوده مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار می‌دهند. از آنجا که سرمایه‌داری در مسیر حرکت خود به دلیل انباشت با دو انفجار همراه بود، یکی در قرن نوزدهم که به مدرنیسم انجامید و دیگری که در نیمه دوم قرن بیستم (۱۹۷۰) به پست مدرنیسم مشهور شد و فضا‌های کالبدی بسیاری را آفرید. این تحقیق در صدد آن است تا با بررسی مشخصه‌های شهرسازی مدرنیسمی و پست‌مدرنیسمی، ارتباط و تأثیر این دو سبک شهرسازی را بر کالبد شهر تهران مشخص سازد. آنگاه تأثیرات جهانی‌شدن را با انتخاب شاخصهایی همچون سرمایه‌گذاری خارجی و درآمدهای ارزی حاصل از توریسم و با طرح شاخصهایی از جهانشهرها، تهران را در این فرایند مورد بررسی دقیق قرار دهد. در این راستا، فرضیه‌های زیر مطرح است:

۱. مدرنیسم بر کالبد شهر تهران تأثیر گذاشته است؛

۲. پست‌مدرنیسم بر کالبد شهر تهران تأثیر گذاشته است؛



۳. جهانی شدن بر کالبد شهر تهران تأثیری نگذاشته است.

۳- مشخصه‌های شهرسازی مدرنیستی و پست‌مدرنیستی و مفهوم جهانی شدن

مدرنیسم شکل تازه‌ای از ارتباط انسان و تولید، با کمک تکنولوژیهای جدید در برابر طبیعت است. مدرنیسم به مثابه ایندولوژی مدرنیته با تکیه بر تکنولوژی، پیشبرد مدرنیته را تسهیل کرد و نوآوریها و مناطق شهری خاصی را به وجود آورد.

بارزترین سمبل معماری و شهرسازی مدرنیستی، آسمان خراشها هستند. این مطلب مؤید آن است که شهرسازی مدرنیستی تنها به ماشین و زندگی ماشینی قرن بیستم یعنی مکانیزاسیون و اتوماسیون توجه داشته، نه به نیازهای انسانی [۲، صص ۲۷ و ۵۶]. مدرنیستها به شدت تحت تأثیر وسایل و ابزار جدید و حمل و نقل قرار گرفته، شهر را شبکه‌ای از خیابانهای موازی و عمود بر هم می‌دانستند. از آنها استانداردگرایی باعث می‌شود که حداقل فضا اشغال شود [۳، ص ۱۵۵].

«پست مدرنها» تأکید مدرنیستی بر خرد، نظم و هندسه را رد کرده، برای رسیدن به تنوع و تفاوت تقلا می‌کنند. شهرسازان پست مدرن به اختلاط کاربریهای زمین برای سرزنده کردن به مکانهای شهری، علاقه نشان می‌دهند. شهرسازان پست مدرن بازگشت به خیابانهای شهر، میداين و ساختمانهای کم ارتفاع را تشویق می‌کنند [۱، صص ۲۸۴ - ۲۸۹].

پست مدرنها برخلاف مدرنیستها، در افزودن مسائل فرهنگی و زمینه ای به طرحهایشان اصرار می‌ورزند. به طور کلی شهرسازی پست مدرن با آموزشهای اصلی شهرسازی مدرن، یعنی مهندسی اجتماعی، تعمیر، عقلانیت فراگیر، علیت تعیین‌گرایی، به مخالفت برخاست و در عوض، به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت‌بخشی، تکثر، تعدد، تنوع، برنامه‌ریزی موردی و موضوعی، عدم تمرکز، طراحی بومی، محیط‌گرایی، مشارکت مردم و مانند آن روی آورد [۴، ص ۷۹].

اگر چه واژه «جهانی» «Global» بیش از چهارصد سال قدمت دارد، اما اصلاحیهایی نظیر «Globalization»، «Globalize»، «Globalizing» از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است [۵، ص ۱۰]. رابرتسون می‌گوید: «این مفهوم تا اوایل یا شاید اواسط دهه ۱۹۸۰، اعتبار علمی چندانی نداشت و از آن به بعد کاربرد این مفهوم کاملاً جهانی شده است».



(Robertson, 1992, p. 9). این واژه را در ادبیات علمی امروز، تحت عنوان «جهانی‌شدن» معنا می‌کنند، اما شاید واژه «جهان‌گستری» تعریف دقیق‌تری باشد. واژه «Globalization» اسم مصدر؛ «To Globalize» است که خود از صفت «Globalize» ساخته شده و به نظر، فعل آن، هم لازم و هم متعددی باشد. به همین جهت می‌توان آن را از یک سو، «جهانی‌کردن» و از سوی دیگر «جهانی‌شدن» معنا کرد [ص ۶، ص ۲۱].

این واژه به لحاظ ایدئولوژیک، بسیار مبهم بوده، تعاریف گوناگونی از آن ابراز شده است؛ به طوری که بعضی از صاحب‌نظران این پدیده را اهرم و حربه سرمایه‌داری، بعضی دیگر مربوط به جامعه اطلاعاتی، و عده‌ای دیگر این پدیده را مستقل معرفی می‌کنند. هاروی این پدیده را فشردگی زمان و مکان معرفی و تصریح می‌کند که سرمایه‌داری در طول حیات خود با دو بحران رو به رو بوده است؛ یکی در قرن نوزدهم (مدرنیسم) و دیگری در قرن بیستم (پست‌مدرنیسم). به همین جهت او این پدیده را در ارتباط با مدرنیسم و پست‌مدرنیسم مطرح می‌سازد [ص ۷، ص ۲۴۱]. همچنین او بین «جهانی‌سازی» و «جهانی‌شدن» فرق قائل است [ص ۵۰]. مارک جهانی‌شدن را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری می‌داند که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت. پیرسون جهانی‌شدن را پدیده‌ای چند وجهی می‌داند که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و فناوری است در واقع جهانی‌شدن همکاری و همیاری را مدنظر دارد، در حالی که «جهانی‌سازی» یکسان‌سازی جهان طبق سلیقه کشور یا گروه خاصی است که به دنبال منافع خود است.

در حوزه اقتصاد، در عصر جهانی‌شدن، اقتصاد پیوسته جهانی که در آن رقابت عامل تعیین کننده است، در حال شکل‌گیری است که از مشخصات بارز اقتصاد لیبرالیستی است [ص ۱۵۲].

در جهانی‌شدن اقتصاد، انتقال و قابلیت تجارت، سرمایه مالی در سطح جهان، جریان سرمایه‌گذاری خارجی و نظایر آن در قالب شرکتها و بانکهای چندملیتی صورت می‌گیرد [ص ۱۶۰].

آمار و ارقام حاکی از آن است که سهم کشورهای در حال توسعه در این فرایند بسیار ناچیز است. در جهانی‌شدن فرهنگ، مقوله جهانی‌سازی بهتر مشهود است؛ زیرا جهانی‌شدن فرهنگ، نبردهای فرهنگی با نبردهای قدرت در عصر اطلاعات هستند که این نبردها عمدتاً در رسانه‌ها و یا از طریق آنها صورت می‌گیرد و رسانه‌ها در دست قدرتها، فرهنگ جهان را



هدایت می‌کنند [۱۱، ص ۴۳].

در حوزه سیاست، هلد از سطح روابط غیر سیاسی بین جامعه‌ای شروع می‌کند و سپس بحثها را به مرحله تضعیف دولت - ملت پیش می‌برد و سپس به استقرار حکومت جهانی، به جای دولت ملی می‌رسد.

در جهانی‌شدن سیاست، روابط اقتصادی موجب کاهش قدرت و کارایی حکومتها در سطح ملی می‌شود. قدرت دولتها با ظهور فرایندهای فراملی کاهش می‌یابد و حوزه‌های سنتی ناگزیرند حاکمیت خود را در قالب واحدهای سیاسی بزرگتر، مثل سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول هماهنگ کنند [۱۲، ص ۱۷]. به همین جهت نقش دولت اغلب نقش حمایتی بوده، دولتها نیز به عنوان عنصری از کل نظام سرمایه‌داری از حد حرف تجاوز نمی‌کنند.

با توجه به موارد فوق، کاستلز، از دولتهای ملی در عصر جهانی‌شدن تحت عنوان «دولت بی‌قدرت» یاد می‌کند [۱۱، ص ۴۳]. دیوید هاروی تحول در حیات سرمایه‌داری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. او این تحولات را با تراکم زمان و مکان نشان می‌دهد و تحولات را به دو انفجار تشبیه می‌کند. از نظر وی، انفجار اولی در قرن نوزدهم به بحران بیش از حد انباشت سرمایه‌داری منجر شد و «مدرنیسم» را پدید آورد. انفجار دومی از سال ۱۹۷۰ با بحران انباشت بیش از حد در نظام تولید آغاز شد که به «پست مدرنیسم» شهرت یافت. اکنون که سرمایه‌داری با انباشت در تمام حوزه‌ها درگیر است جهت صدور آنها طرح جهانی‌شدن را مطرح می‌سازد [۷، ص ۷۷].

در پرسشنامه‌ای که از ۱۰۰ نفر از اساتید مربوط در سطح ایران انجام شد، در جواب این سؤال که آیا جهانی‌شدن از حربه‌های سرمایه‌داری و ادامه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم است و با انقلاب انفورماتیک شتاب فراوان گرفته است؟ ۷۰ درصد جواب مثبت و ۱۰ درصد منفی دادند و ۱۰ درصد نیز ابراز داشتند تا حدودی و ۱۰ درصد ارتباطی بین این سه متغیر قائل نبودند.

این تحقیق معتقد است، جهانی‌شدن از سالها قبل همراه مدرنیسم و پست مدرنیسم شروع شده، اما طرح جهانی‌شدن به شکل امروزی از مشخصه‌های سرمایه‌داری است و مدرنیسم و پست مدرنیسم را زمینه‌های شتاب گرفتن و گسترده‌گی این پدیده می‌داند.





۴- روش پژوهش

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش بررسی آن «توصیفی - تحلیلی» است. مطابق مسأله و فرضیه تحقیق، ابتدا با رجوع به منابع، مشخصه‌های شهرسازی مدرنیستی و پست‌مدرنیستی و مبانی و مفهوم جهانی‌شدن تبیین می‌گردد و آنگاه با بهره‌برداری از متون، آمار و کار میدانی، چگونگی ساختار کالبدی و فیزیکی شهر تهران در فرایند مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵- تأثیر مدرنیسم بر کالبد شهر تهران

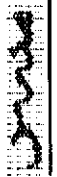
تغییرات حاصل از مدرنیسم بر کالبد شهر تهران از اواخر دوره قاجار، با نفوذ و تسلط غرب و فرهنگ آن در ادارات، سفارتخانه‌ها، دیوانخانه‌ها، محلات اروپایی‌نشین و شخصیت‌های سیاسی آغاز می‌شود. به طور مشخص تأثیر مدرنیسم در شهر تهران در این دوره را می‌توان در کامل کردن شکل هشت ضلعی تهران توسط «بهلر» دانست. بدین ترتیب شهر تهران کم‌کم در فرایند مدرنیسم قرار می‌گیرد.

در این دوره با تخریب حصار قدیمی شهر تهران، پرکردن خندق و اصلاح راههایی که از شمال، جنوب و شرق و غرب در مسیر باروی قدیمی کشیده شده بود، رفت و آمد کالسکه تا محدوده «اطراف تهران» و برگرد هسته متراکم شهر قدیم تسهیل شد [۱۲، ص ۱۲].

عنصر جدیدتری که در این خیابانها چهره می‌نماید و بی‌سابقه است، استفاده از واگن یا تراموای اسبی است که بر خیابانهای جدیدالاحداث چهره‌ای بس متفاوت می‌بخشد [۱۴، ص ۱۲۷]. نمونه‌های بارز تأثیر مدرنیسم بر کالبد شهر تهران در اواخر قاجار را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

در هم کوبیدن دیوارهای ارگ و احداث خیابانهای عریض به جای آنها، اخذ مالیات در ورودی شهر، عدم تأثیرگذاری مکتب اصفهان بر ساخت خیابانهای جدید در تهران، حضور عملکردهای جدید چون تماشاخانه، سینما، هتل، و مغازه‌ها به سبک فرنگی، از دست دادن مفهوم کهن میدان با حضور خیابانها و ورود اتومبیل برای اولین بار در زمان محمد شاه که باعث دگرگونی خیابانها شد [۱۴، صص ۲۵ - ۳۶]. همه موارد فوق حکایت از آن دارد که نطفه تأثیر مدرنیسم بر کالبد شهر تهران در این دوره نهاده شده است.

به دنبال حکومت قاجار، دوره پهلوی در یک انقطاع تاریخی از جامعه و به تبع آن شهر،



تعاریفی چند را به دست می‌دهد. تعاریفی که نه تنها تبیین، بلکه تضاد را عرضه می‌دارند؛ تضاد بین مفاهیم فرهنگی جامعه ایرانی با مفاهیم غربی، تضاد بین تداوم تاریخی و انقطاع آن و تضاد بین ذهنیت حاکم بر جامعه و عینیت تحمیل شده از سوی دولت.

در این دوره، اصلاحاتی در شهر تهران صورت گرفت؛ اما این اصلاحات سطحی، بی‌قاعده و نامنظم و ویرانگر بود. دیوارها و دروازه‌های کهن شهر تهران به مثابه نمادهای عقب ماندگی تخریب شد. در ساختن خیابانهای جدید با توسعه و تعریض خیابانهای قدیم همه ساختمانهایی که در مسیر قرار داشتند تخریب گردیدند. مظاهر، شکلها و روند و فضای شهری تقلید و عوض شدند [۱۵، صص ۱۵۷-۱۵۸]. روند مدرنیزاسیون در دوران پهلوی اول از ساختمان وزارتخانه‌های عظیم آغاز شد و در سراسر تهران به صورت ساختمانهایی با کارکردهای مختلط و مجتمعهای آپارتمانی اجاره‌ای که در آنها افراد طبقه جدید کار و زندگی می‌کردند به فروشگاههای بزرگی که مردم وقت و پول را در آنها صرف می‌کردند گسترش یافت [۱۶، صص ۱۲-۱۳]. از منظر دیگر، روند مدرنیزاسیون در دوره پهلوی اول را در ساختار و کالبد شهر چنین می‌توان بیان کرد: مدرنیزاسیون شکل سنتی شهر تهران را از بین برد. شبکه‌های شطرنجی متشکل از بلوارها و خیابانهای جدید، جانشین طرح متراکم و نامنظم شهر قدیمی شد و دوازده دروازه شهر همگی تخریب شدند. به جای حصارهای قدیمی شهر، بلوارهای وسیع با پیاده‌روهای مجزا از سواره‌رو ساخته شد. برای نخستین بار به طور منظم از معماران بیگانه برای ساخت ادارات، وزارتخانه‌ها، مدارس، دانشگاهها، بانکها و موزه‌ها دعوت به عمل آمد. آنها اهل کشورهای مختلفی همچون آلمان، اسکانندیناوی، ایتالیا، امریکا، فرانسه و اتریش بودند که به صورت مستقل یا از طریق شرکت‌های خاص و گاه کنسرسیومهای چند ملیتی به کار مشغول می‌شدند [۱۷، صص ۲-۴].

بازگشت اولین گروه از دانشجویان اعزامی به خارج کشور برای آموختن فن مهندسی و معماری نو، روند مدرنیزاسیون را در شهرسازی و معماری تسهیل کرد. در این دوره، شهر در محدوده خیابانها، چهره ای «نو» را عرضه می‌دارد [۱۵، ص ۱۶۹].

در دوره پهلوی اول، اولین اقدام مدرنیستی تصویب طرح «قانون بلدیة» تحت عنوان نقشه خیابانها در سال ۱۳۰۹ شمسی صورت می‌گیرد و بعد از آن، تصویب «قانون تعریض و توسعه معابر و خیابانها» در سال ۱۳۱۲ هـ ش (۱۹۹۳ م) جوابی روشن به شهرسازی مدرنیستی و به طور مشخص «هوسمانی» است [۱۸، ص ۲۲۱].

بعد از آن، تصویب طرح ۱۳۱۶ به نحو بارزتری متأثر از جنبش معماری و شهرسازی





مدرن بین‌المللی است که به تبعیت از الگوی شهر صنعتی مطرح شد.

بدین ترتیب طرح ۱۳۱۶ با مقدماتی که طرحهای قبل آماده کرده بودند موفق می‌گردد تا با حذف مفاهیم کهن، مفاهیمی جدید از عناصر شهری، چون خیابانها و میدانها را به سبک غربی عرضه بدارد. خلاصه آنکه این طرح موفق می‌شود به تقلید از شهر صنعتی دست یابد و مفهوم شهر به معنای واقعی و بومی کلمه از میان بردارد. به دنبال حکومت رضا شاه در عهد محمد رضا شاه، تهران به طور مسلم عمیق‌ترین دگرگونی تاریخ کوتاه خود را از سر گذرانده است. این شهر در سال ۱۳۲۰ شمسی، شهری معمولی و پایتختی ناهمگون بود که حکومت مرکزی ضعیفی داشت و تحت اشغال بود. نیروی محرک توسعه شهر قطعاً بازار، املاک و مستغلات یا به عبارت بهتر، معامله زمین و خانه بود [۱۹، ص ۲۳۲]. در این دوره، در تمام مراحل گسترش شهر تهران، مقامات با توجهی نابرابر تنها دغدغه نیازهای اقتصادی مردم را داشته‌اند. موارث شهری به چشم تنگناهایی نگریسته شده، بایست هر چه زودتر از سر راه برداشته می‌شدند [۲۰، صص ۲۴۹ - ۲۵۷]. در این سالها، شهر توسعه‌ای نسبتاً سریع را عمدتاً در طول مسیر خیابانهای ایجاد شده در دوره رضاخان تجربه می‌کند. این توسعه بی‌هیچ ضابطه‌ای، یا قاعده‌ای در اینجا و آنجای شهر در جریان است. کالبد و سیمای شهر، آرام و آرام با حضور معماران و مهندسین فارغ‌التحصیل از دانشکده‌های فنی و هنرهای زیبا، نمایندگان معماری نو و سبک بین‌الملل و سرمایه شهروندان تجدد طلب درحال دگرگونی است. شبکه‌های شهری به تبع قطعه‌بندیهای جدید ثبتي فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی، میل به شکل شطرنجی پیدا می‌کند. حضور فرهنگی قدرتمند سبک بین‌الملل در معماری و بخصوص در ایجاد مجموعه‌های مسکونی، در مدرسه‌های معماری و فنی کشور سبب می‌گردد تا طرحهایی که توسط دانش‌آموختگان این مدارس در دل «بانک ساختمان» تهیه شده به اجرا درآید و به سرعت به عنوان الگوی نوین توسعه شهری بازتابی وسیع در کشور یابد. نمونه‌های بارز این پدیده را می‌توان در یوسف‌آباد تهران، نارمک، منظریه، نازی‌آباد و ... جستجو کرد [۱۵، صص ۱۸۱ - ۱۸۷].

به جهت گسترش بی‌رویه و بی‌قواره شهر تهران که هر روز شتاب بیشتری می‌گرفت، دولت مصمم شد تا جلوی این گسترش را سد کند، در این خصوص در سال ۱۳۲۵ ضوابط مختصری برای شهرسازی وضع شد و طرح جامع تهران توسط دفتر مطالعات «ویکتور کروئن» و «ع. فرمانفرمائیان» تهیه شد. در این طرح، نمونه‌های بارز مدرنیسم را به شرح زیر می‌توان دید [۱۴، ص ۴۰].

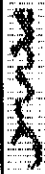


۱. تمام معیارهای باب روز شهرسازی غرب در این طرح نمود یافت؛
۲. طرح شهر، تقلیدی از شهر خطی سورپاماتا و شهر صنعتی تونی گارنیه بود؛
۳. مرکز اداری خطی آن توسط لویین - دیویس به پیروی از واشنگتن و شهرهای جدید میلتن کینز تهیه شده بود؛

۴. طرح از جهاتی شبیه به طرح شهرهای اجتماعی ابنزرهاورد است؛
۵. وجه اشتراک این طرح با طراحی شهرهایی مثل رانکورون، ایروین در شبکه حمل و نقل کاملاً مشهود است. این طرح مثل سایر طرحها کاملاً اجرا نشد و از تحول پیش‌بینی شده پیروی نکرد (نمونه بارز شبه مدرنیسم) (۱۴، ص ۴۰)؛ زیرا از سویی ضوابط را در زمینه شهرسازی محلی یا معماری مثل شکل خانه‌ها به ویژه محدوده ۲۵ساله شهر به شدت رعایت می‌کرد و از سوی دیگر به عملیات خلاف ضابطه در مرکز یا شمال شهر و ساختن بناهای بلند مرتبه و مجتمع‌های بزرگ در شمیران میدان می‌داد (۲۰، ص ۲۵۰). واقعیت آن است که دیگر موضوع کنترل توسعه شهر یا آمایش شهری بزرگ مطرح نبود، بلکه می‌خواستند هر چه زودتر «این طرح» با پایتختی مدرن به نام «تهران بزرگ» همخوانی داشته باشد (۱۹، ص ۲۳۴) که نمونه مشهود آن پروژه ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری (شهستان پهلوی) است که بایست با شهر قرن بیستم و یکم مطابقت می‌داشت (۲۱).

بدین ترتیب اولاً با تهیه طرح ۱۳۴۸ و ثانیاً عدم اجرای کامل آن، تهران به ناکجا آبادی تبدیل گردید که الگوی خود را از شهرهای بزرگ غربی می‌گرفت. اگر طرحهای شهری ۱۳۱۰ بر آن بودند که پژواکی از تفکر «هوسمان گونه» را عرضه دارند، طرحهای جامع، مبشر «معماری و شهرسازی بولدوزر» هستند. این نوع شهرسازی مدرنیستی که در سالهای ۱۹۶۰ میلادی ناکارایی خود را به اثبات رسانیده و در کشورهایی که مهد تفکر آن بودند مورد نقد و بازبینی واقع شده‌اند و به عنوان حرکتی مسأله‌آفرین مورد عتاب اجتماعی - اقتصادی واقع گردیده‌اند، فرصتی می‌یابند تا در طرحهای جامع سالهای چهل و پنجاه هجری شمسی از نو زنده شوند (۱۵، ص ۱۹۴).

تهران در دوره جمهوری اسلامی با گسترش وسیع و گسسته، بخش وسیعی از شهرستان تهران و شهرستانهای شمیرانات و ری را در بر گرفته است. افزایش قیمت زمین و ساختمان در سالهای اخیر به همراه محدودیتهای اعمال شده در زمینه سکونت در حریم قانونی شهر، موجب شد تا جمعیت مهاجر به سوی شهرها و مراکز جمعیتی اطراف و به طور عمده محور غرب تهران که در سالهای اولیه بعد از انقلاب هنوز قیمت زمین و مسکن در آن پایین‌تر از داخل محدوده بود





سرازیر شود [۲۲، ص ۴۵]. بعد از انقلاب «سیاست زدگی» ذاتی انقلابها در شکل شک به مبانی جامعه مدنی به عنوان اندیشه‌ای بیگانه و جداسازی تعهد از تخصص بروز یافت. در نتیجه در این دوران، همانند دوران قبل از انقلاب، اما در شکل و محتوای دیگر به مدرن‌شدن، افتادن و خیزان و بدون تشکیل جامعه مدنی یا بدون جلوه فرهنگ و معرفت پیشین و بدون اندیشه‌های نو و پویا در بسیاری از عرصه‌ها ادامه یافت [۲۳، ص ۴۴].

بدین ترتیب شهر تهران به عنوان مدنیت نوین ایران، در آشوبی از التقاط معماری و شهرسازی فرو رفت که اگر این وضع ادامه پیدا کند بیشتر فرو خواهد رفت. یکی از نمونه‌های بارز تأثیرات «سیاست زدگی» و «مدرن شدن» تکرار کلیشه‌ای «رشد ناموزون» شهر تهران است که هر روز شکاف آن عمیق‌تر می‌شود [۲۳، ص ۵].

دولت بعد از انقلاب ادعا کرد که تجربه‌ها و فرمهای سنتی زیادی را احیا می‌کند؛ اما در ارتباط با ساخت و سازها، گرایشهای مدرنیستی شدیدی را از خود بروز داد و بازسازی با تمام نیرو در همان جهت تغییر شکل فضای شهری ادامه یافت. طرحهای جدید برای ساخت برزگراها و بازسازی مناطق مرکزی، بدون ارزیابی آثار فرهنگی واجتماعی طرحهای مشابه قبلی همچنان در حال تدارک و اجرا است. بعد از انقلاب، حملات شدیدی به طرح جامع تهران (قبل از انقلاب) صورت گرفت، اما خود به دام آن گرفتار شد [۱۴، ص ۴۴]. بعد از انقلاب با یک گرایش شدید مدرنیستی عمدتاً به اصلاحات فیزیکی (احداث بزرگراهها، فعالیت شرکتهای ساختمان‌سازی از جمله آتی‌ساز، برج سازی و ...) در شهر تهران پرداخته شد و به ایجاد شهر دموکراتیک و متعادل همت گماشته نشد [۱۴].

به همین منظور در پرسشنامه‌ای با حجم نمونه ۱۰۰ اساتید متخصص در سطح دانشگاههای تهران، در خصوص اینکه آیا مدرنیسم بر کالبد شهر تهران تأثیر گذاشته؟ ۱۰۰ درصد پاسخ مثبت دادند.

۶- پست مدرن و کالبد شهر تهران

بر اساس مشخصه‌های شهرسازی پست مدرن، نشانه‌های این مکتب شهرسازی را فقط به صورت لکه‌هایی در معماری ساختمانهای شهر تهران می‌توان مشاهده کرد. در بعد از انقلاب، دسته‌ای از معماران، به دنبال حرکت فرهنگی مدرنیستی اواخر دوره پهلوی به دنبال ریشه‌یابی در فرهنگ این ملت و ترکیب آن با امکانات تکنولوژی روز کشور بر آمدند. در این میان ادعا شد که تجربه‌ها و فرمهای سنتی زیادی احیا خواهد شد؛ ولی بازسازی



با تمام نیرو در همان سبک قبلی جهت تغییر شکل فضای شهری ادامه یافت که اصولاً اثری قابل توجه از نشانه‌های شهرسازی پست‌مدرن حتی در تهیه طرح‌های شهرسازی مشاهده نمی‌گردد [۱۴، ص ۴۲].

به عنوان نمونه یکی از اصول شهرسازی پست‌مدرن، مشارکت شهروندان به شیوه دموکراتیک است؛ در حالی که در تهیه طرح‌های شهرسازی و اجرای آن مردم هیچ نقشی ندارند. بر اساس یک اطلاعات تطبیقی که در این مورد بین ایران و ده کشور جهان صورت گرفته است، جمع امتیاز ده کشور نمونه ۲/۶ و جمع امتیاز ایران ۱ به دست آمد که مغایرت ۲/۶ را نشان می‌دهد. مطلب فوق مؤید آن است که هنوز در تهران گرایش شدید مدرنیستی حاکم است و تا رسیدن به شهرسازی پست‌مدرن و متأثر شدن از این مکتب فاصله زیادی مشاهده می‌شود. در این مورد پرسشنامه‌ای با حجم نمونه ۱۰۰ بین اساتید شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و رشته‌های مرتبط با شهر در سطح دانشگاه‌های تهران پخش شد که ۵۰ درصد پاسخ دهندگان تأثیرات کم (با انتخاب گزینه کم) پست‌مدرنیسم بر کالبد شهر تهران را تأیید کردند. همچنین ۳۰ درصد به تأثیرات متوسط و ۲۰ درصد به عدم تأثیرگذاری آن اشاره کرده‌اند. نکته دیگری که پاسخ دهندگان به آن اشاره داشتند، عدم تأثیرگذاری پست‌مدرنیسم بر ساخت کلی کالبد تهران، به عنوان نمونه شبکه حمل و نقل، کاربری، و ... بود که جرئی از کالبد شهر است.

۷- تأثیر جهانی شدن بر کالبد شهر تهران

در این مورد ابتدا باید این سؤال را مطرح کرد که آیا تهران وارد «فرایند جهانی شدن» شده است یا خیر؟

از آنجا که آمار و ارقام در مورد شهر تهران در خصوص متغیر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و درآمد ارزی حاصل از توریسم وجود ندارد، به صورت تعمیمی از آمار ایران استفاده گردید.

مهمترین شاخص‌های موجود در باب ورود یا عدم ورود یک کشور به فرایند جهانی شدن، سرمایه‌گذاری خارجی و درآمدهای ارزی حاصل از توریسم است. بر این اساس مقایسه‌ای تطبیقی بین ایران و چند کشور در جدول ۱ صورت گرفته است.

باتوجه به جدول ۱ جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی به ایران طی دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۶ اغلب پایین یا منفی گزارش شده است. این مسأله ناشی از انتقال سرمایه به خارج از ایران یا





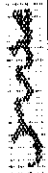
عدم اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به امنیت سرمایه‌گذاری و انتقال سود حاصل از ایران، بی‌ثباتی اقتصادی و نیز عدم شفافیت سیاست‌های جلب سرمایه‌گذاری خارجی است. داده‌های جدول ۱ مبین آن است که سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه از ۸۴۴ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۱۱۱۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ رسیده است. پاکستان از لحاظ جلب سرمایه مستقیم خارجی در این فاصله رشدی برابر با ۱۶۸ درصد داشته است. موارد فوق حاکی از آن است که ایران حتی از کشورهای هم‌جوار هم خیلی عقب‌تر است.

جدول ۱ جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشور میزبان (میلیون دلار)

۱۹۹۰-۱۹۸۵	درصد	۱۹۹۲	درصد	۱۹۹۶	درصد	
۱۴۱۹۳۰	-	۱۷۳۷۶۱	-	۳۴۹۲۲۷	-	جهان
۱۱۶۶۲۴	۸۲	۱۱۹۶۹۲	۶۸	۲۰۸۲۳۶	۵۹	کشورهای توسعه یافته
-۱۳۰	۰/۰۹	-۱۷۰	۰/۰۹	۱۰	۰/۰۰۲۸	ایران
۳۴۰	۰/۲۳	۸۸۴	۰/۴۸	۱۱۱۶	۰/۳۱	ترکیه
۱۰۵۲	۰/۷۲	۵۱۸۳	۲/۹۸	۵۳۰۰	۱/۵	مالزی
۷۰۵	۰/۴۹	۷۲۷	۰/۴۱	۲۳۰۸	۰/۶۶	کره جنوبی
۱۶۷	۰/۱۱	۳۳۵	۰/۱۹	۶۹۰	۰/۱۹	پاکستان
۵۵۱	۰/۲۸	۱۷۷۷	۱/۰۲	۷۹۶۰	۲/۲۷	اندونزی

[۲۴، صص ۲۳-۲۶]

براساس ارقام منتشر شده سازمان جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی طی دوره ۸ ساله ۱۳۷۲-۱۳۷۹ جمعاً مبلغی برابر با ۱/۲۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش جلب و حمایت از سرمایه‌گذاریهای خارجی از تصویب هیأت وزیران گذشته است. این در حالی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی محقق نشده است. به عبارت دیگر، طی هفت سال گذشته به طور متوسط سالیانه تنها ۱۷ میلیون دلار سرمایه جذب کشور شده است. این رقم در مقایسه با ارقام جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تقریباً صفر است. بنابراین حجم بسیار کم سرمایه‌گذاریهای خارجی در ایران نشان از بسته‌بودن اقتصاد و جدا بودنش از فرایند جهانی اقتصاد دارد. ذکر این نکته ضروری است که بخش اعظم سرمایه‌گذاری خارجی مربوط به بخش نفت است که جزء قراردادهای سرمایه‌گذاریهای خارجی محسوب نمی‌شود [۲۵، ص ۳۱۶].



در مورد صنعت توریسم با آنکه ایران به لحاظ غنی بودن آثار تاریخی و طبیعی جزء ۱۰ کشور اول توریستی دنیا محسوب می‌شود [۲۶، ص ۲] و دارای برتری نسبی بالقوه در صنعت جهانگردی است، به دلایل سیاسی، فرهنگی، سرویس‌دهی و زیربنایی در زمره حاشیه‌نشینان بازار جهانگردان درآمده است. به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۷۲ هزار نفر جهانگرد از ایران بازدید کرده‌اند که عایدات ارزی آن بالغ بر ۲۶۱ میلیون دلار بوده است. این رقم معادل ۰/۶٪ از کل درآمد توریستی دنیا است، در حالی که ایرانیان ۶۰۰ میلیون دلار در همان سال صرف گشت و گذار جهانی خود کرده‌اند [۲۷، ص ۱۹۰].

نکته قابل توجه دیگر اینکه جهانگردانی که با انگیزه بازدید از کشور و به عبارت بهتر به شکل هدفمند از ایران دیدن می‌کنند سالیانه کمتر از ۱۰ هزار نفر است که عموماً از طریق تورهای سازمان یافته به ایران می‌آیند [۲۸، ص ۲۵۱]؛ در صورتی که درآمدهای جهانگردی در برخی از کشورهای جهان سوم بسیار چشمگیر است، برای نمونه کشور مکزیک سالیانه ۲/۵ میلیارد دلار (معادل ۴ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۷) از صنعت توریسم درآمد دارد [۲۹، ص ۴۷۵]. بدین ترتیب ایران با توجه به دو شاخص فوق به علت سیاستهای درونگرا نتوانسته است وارد فرایند جهانی‌شدن شود و همچنان در حاشیه قرار دارد و چون هیچ نقشی در جهانی‌شدن ندارد، این پدیده با توجه به تعریف و مبانی نظری نتوانسته تأثیرات خاصی را در ایران و به تبع آن بر شهر تهران بر جا بگذارد. اگر ایران نقشی قوی و فعال در فرایند جهانی‌شدن داشت، حداقل «تهران» در میان «مادر شهرها» نقشی فعال را ایفا می‌کرد، در حالی که تهران همچنان به عنوان یک مادرشهر بی قواره به حیات خود ادامه می‌دهد و رشد فیزیکی‌اش تحت تأثیر عواملی همچون انباشت شدید سرمایه (مثل خدمات سودگرانه، درآمدهای نفتی)، عدم وجود سیستم توسعه قوی در جهت تعدیل و رشد موزون و اتصال به اقتصاد جهانی یک سویه و شامل واردات کالا و صادرات نفت قرار دارد [۳۰، ص ۸۶].

۸ - نتیجه گیری

مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بی‌ارتباط با جهانی‌شدن نیستند و در واقع زمینه‌های شدت گرفتن جهانی‌شدن را فراهم کرده‌اند. در مورد تأثیر مدرنیسم بر کالبد شهر تهران، با توجه به بررسیهای انجام شده در این پژوهش مشخص شد که تأثیری فراوان داشته و بدین ترتیب، فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. در مورد تأثیر پست مدرنیسم بر کالبد شهر تهران با



توجه به توضیحاتی که در این پژوهش داده شد، این تأثیر هنوز در مرحله ابتدای قرار دارد و پست مدرنیسم هنوز نتوانسته تأثیر شگرفی بر شهر تهران بگذارد که بدین ترتیب، فرضیه دوم تأیید نمی‌شود. بررسی تأثیر جهانی شدن بر کالبد شهر تهران را باید با طرح این سؤال آغاز کرد که آیا اساساً ایران وارد فرایند جهانی‌شدن شده است یا نه؟ با توجه به شاخصهایی که بررسی شد، ایران هنوز نتوانسته است وارد فرایند جهانی‌شدن شود. از آنجا که تهران جزئی از ایران است و هیچ نقشی در جهانی‌شدن ایفا نکرده و کارکردش اغلب یک‌سویه، یعنی محلی برای واردات در تمام زمینه‌ها بوده، با جهانی‌شدن ارتباطی نداشته و با مقوله «جهانی‌سازی» ارتباط مستقیم پیدا کرده است. بدین ترتیب، فرضیه سوم مورد تأیید قرار می‌گیرد، بدین معنا که جهانی‌شدن در توسعه کالبدی شهر تهران تأثیر نداشته است.

۹- منابع

- [۱] مدنی پور؛ تهران ظهور یک کلان شهر؛ تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۱.
- [۲] بحرینی، حسین؛ تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- [۳] یاراحمدی، امیر؛ به سوی شهرسازی انسانگرا؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری؛ ۱۳۷۸.
- [۴] شفیعی، حسن؛ «پست مدرنیسم در شهرسازی»، فصلنامه مدیریت شهری؛ ش ۱، ۱۳۷۹.
- [۵] واترز، مالکوم؛ جهانی‌شدن؛ ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی؛ تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
- [۶] رجایی، فرهنگ؛ جهانی‌شدن (وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی)؛ ترجمه عبدالحسین آذرنگ؛ تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۰.
- [7] Harvey, D; The Condition of Post Modernism, Oxford: Basill Blackwell, 1989.
- [8] ———; Cosmopolitanism. www. Muse. Thv, 2002.
- [۹] گریفین، کیت؛ مروری بر جهانی‌شدن و گذار اقتصادی؛ ترجمه محمدرضا فرزین؛ تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸.
- [۱۰] افراخته، حسن؛ «جهانی‌شدن اقتصاد و نقش آن در ساختار فضایی و اجتماعی شهرها»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ ش. ۱۶۹-۱۷۰، ۱۳۸۰.



- [۱۱] کاستلز، مانوئل؛ عصر اطلاعات؛ ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز؛ تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.
- [۱۲] معصوم‌زاده، کیانی، میراحمد؛ «حاکمیت دولت در عصر شرکتهای چندملیتی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ ش. ۱۵۵-۱۵۶، ۱۳۷۹.
- [۱۳] دگرنی، جان؛ «دگرگونی تهران در اواخر قرن نوزدهم»، مجله معماری و شهرسازی؛ ش. ۶ و ۷، ۱۳۷۵.
- [۱۴] مدنی پور؛ «ساختن شهر مقررات و ایده‌ها»؛ ترجمه روحی افسر؛ مجله شهر، ش ۱۹، ۱۳۸۰.
- [۱۵] حبیبی، محسن؛ از شار تا شهر؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- [۱۶] معرفت، مینا؛ پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند، تهران پایتخت دویست ساله؛ سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵.
- [۱۷] عدل، شهریار و برناد اورکاد؛ باغ مسکونی در گذشته‌های دور، از پیدایش تا عهد ناصری، تهران پایتخت دویست ساله؛ تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵.
- [۱۸] حبیبی، محسن؛ تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه، تهران پایتخت دویست ساله، تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵.
- [۱۹] اورکاد، برناد؛ شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا پهلوی؛ تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵.
- [۲۰] یاوری، مینوش؛ پروانه ساختمان و ابتذال معماری مسکونی در تهران؛ تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵.
- [21] Lievely, D.; Shahestan Pahlavi; London: New city center for Tehran, 1976.
- [۲۲] رفیعی، مینو؛ «تمرکز اقتصادی تهران»، مجله آبادی؛ ش ۱، ۱۳۷۰.
- [۲۳] اطهاری، کمال؛ «تهران مدنیت گم گشته»، مجله معماری و شهرسازی؛ ش ۳۶ و ۳۷، ۱۳۷۶.
- [24] United Nation; World Investment Report; New York and Geneva, 1997.
- [۲۵] بهکیش، محمد مهدی؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن، تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۰.



- [۲۶] اتاق بازرگانی؛ «چرا نمی‌توانیم توریست جذب کنیم»، ش ۸، تهران: ۱۳۷۴.
- [۲۷] کازرونی، علیرضا؛ «جهانی‌شدن اقتصاد و راهبرد گسترش صادرات»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ ش ۱۴۷ - ۱۴۸، ۱۳۷۹.
- [۲۸] بیک محمدی، حسن؛ «نگرشی نو بر آثار اقتصادی توسعه جهانگردی با نگاه به ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ ش ۱۵۷ - ۱۵۸، ۱۳۷۹.
- [29] Stephan, F.; Tuorism Marketing Management, Handbook, Second Edition; London: Prentice Hall, 1998.
- [۳۰] رئیس دانا، فریبرز؛ «رشد تهران و انگاره توسعه ناموزون شهری»، مجله معماری و شهرسازی؛ ش ۲۶، ۱۳۷۵.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

